

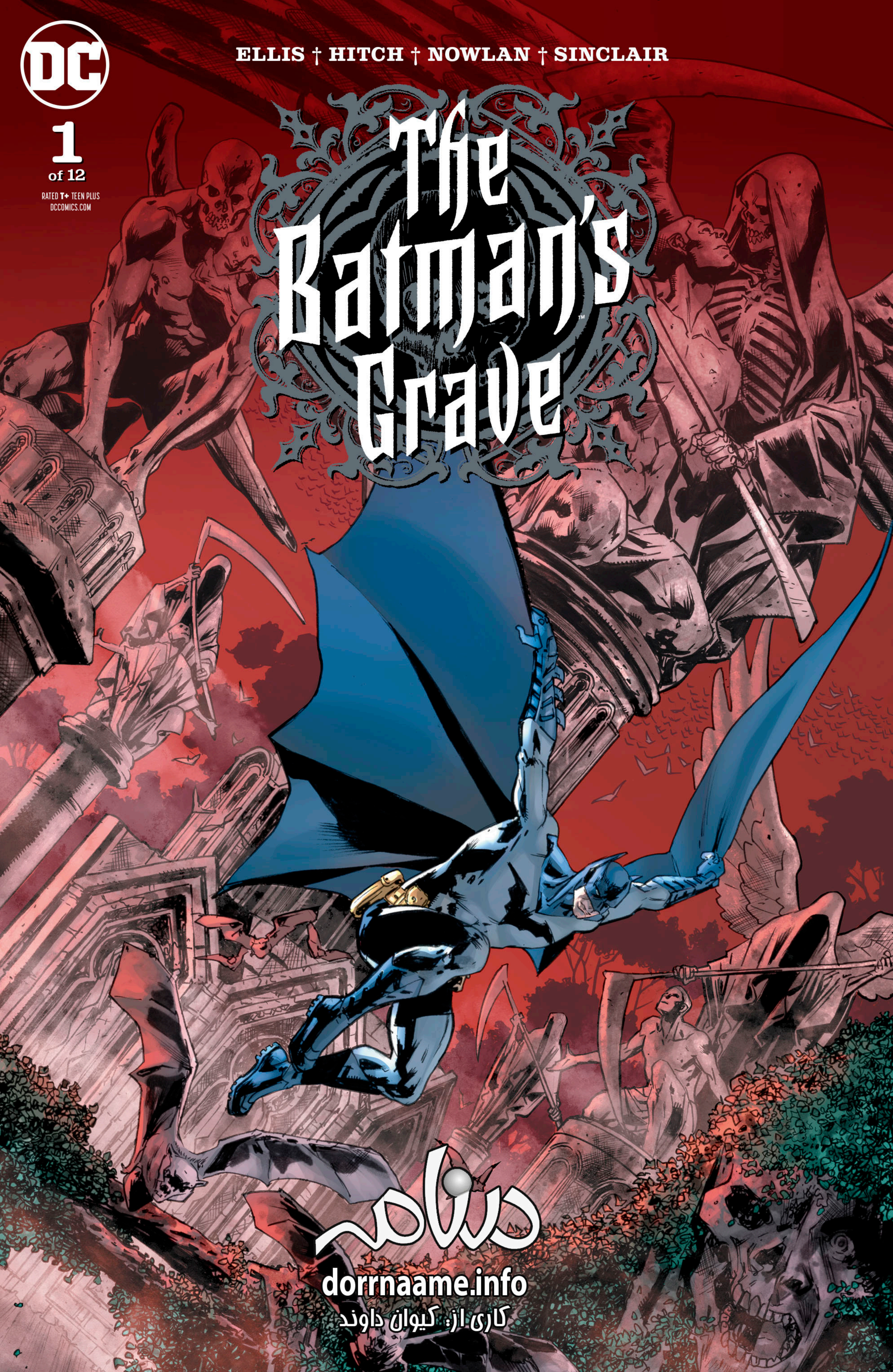


ELLIS † HITCH † NOWLAN † SINCLAIR

1  
of 12

RATED T+ TEEN PLUS  
DCCOMICS.COM

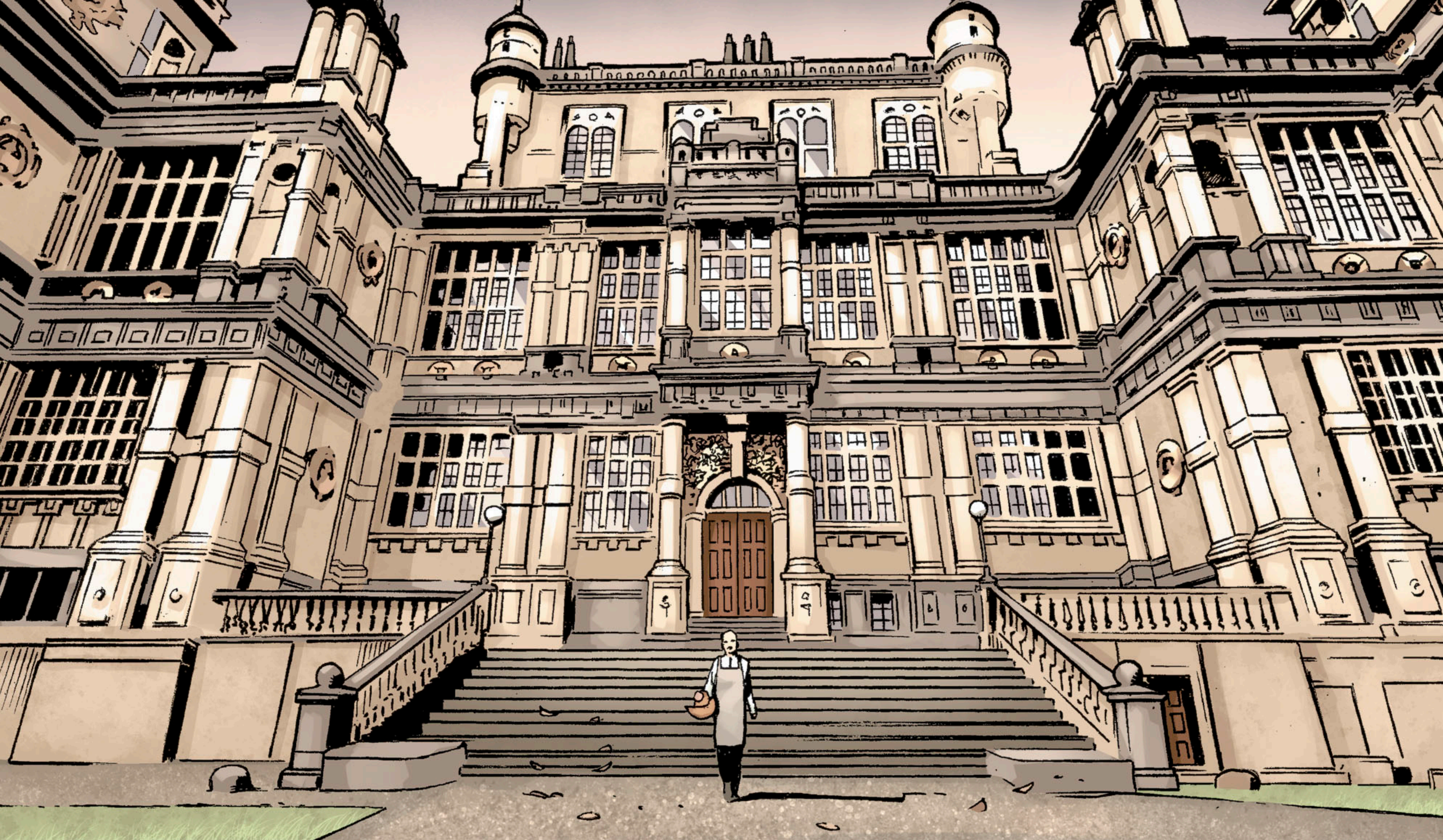
# The Batman's Grave



دورنامه

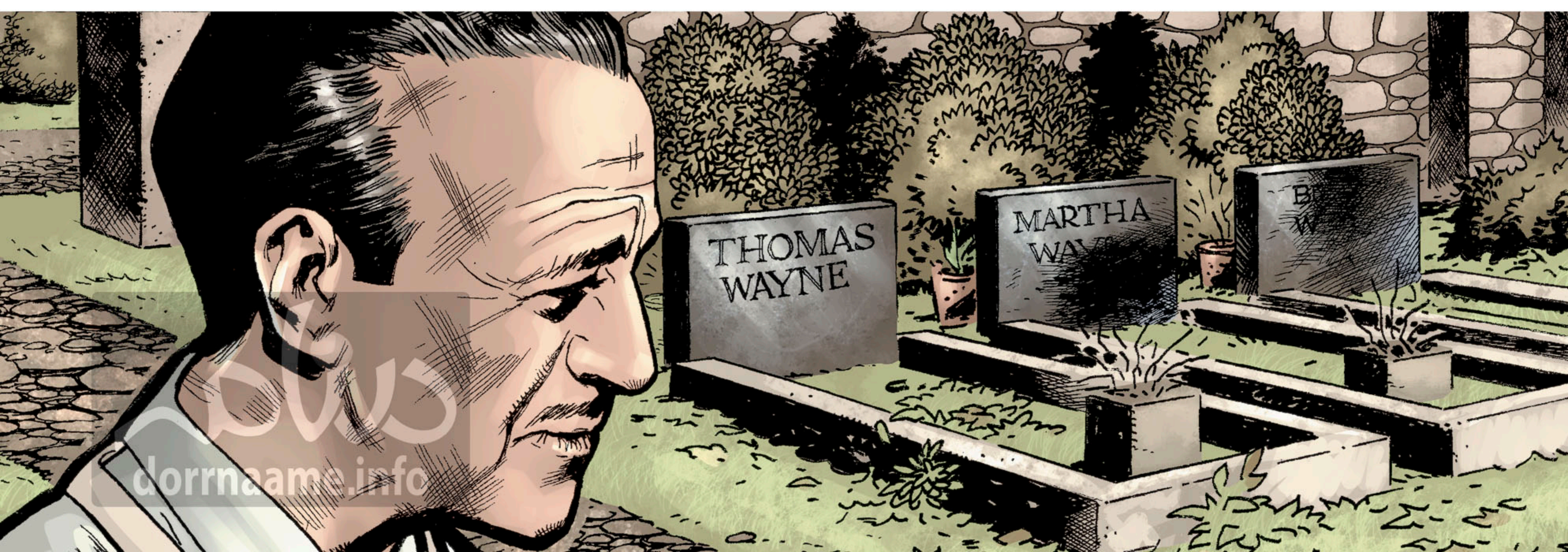
[dorrname.info](http://dorrname.info)

کاری از: کیوان داوند



آلفرد پنی ورث هر هفته  
يك بار براي انجام وظايف خود  
به اينجا مياد. چه وضع هوا  
آفتابي باشه چه باراني.

وقتي زنده بودند بعشون خدمت  
مي كرد. الان هم كه مردند. باز در  
خدمتشونه.





اونها عاشق این خانه بودند  
و من خواستند پس از اتمام ایام  
زندگی همینجا آرام بگیرند. اونها  
در اینجا شقایق کاشتند و از هزینه های  
زیاد دوری کردند.



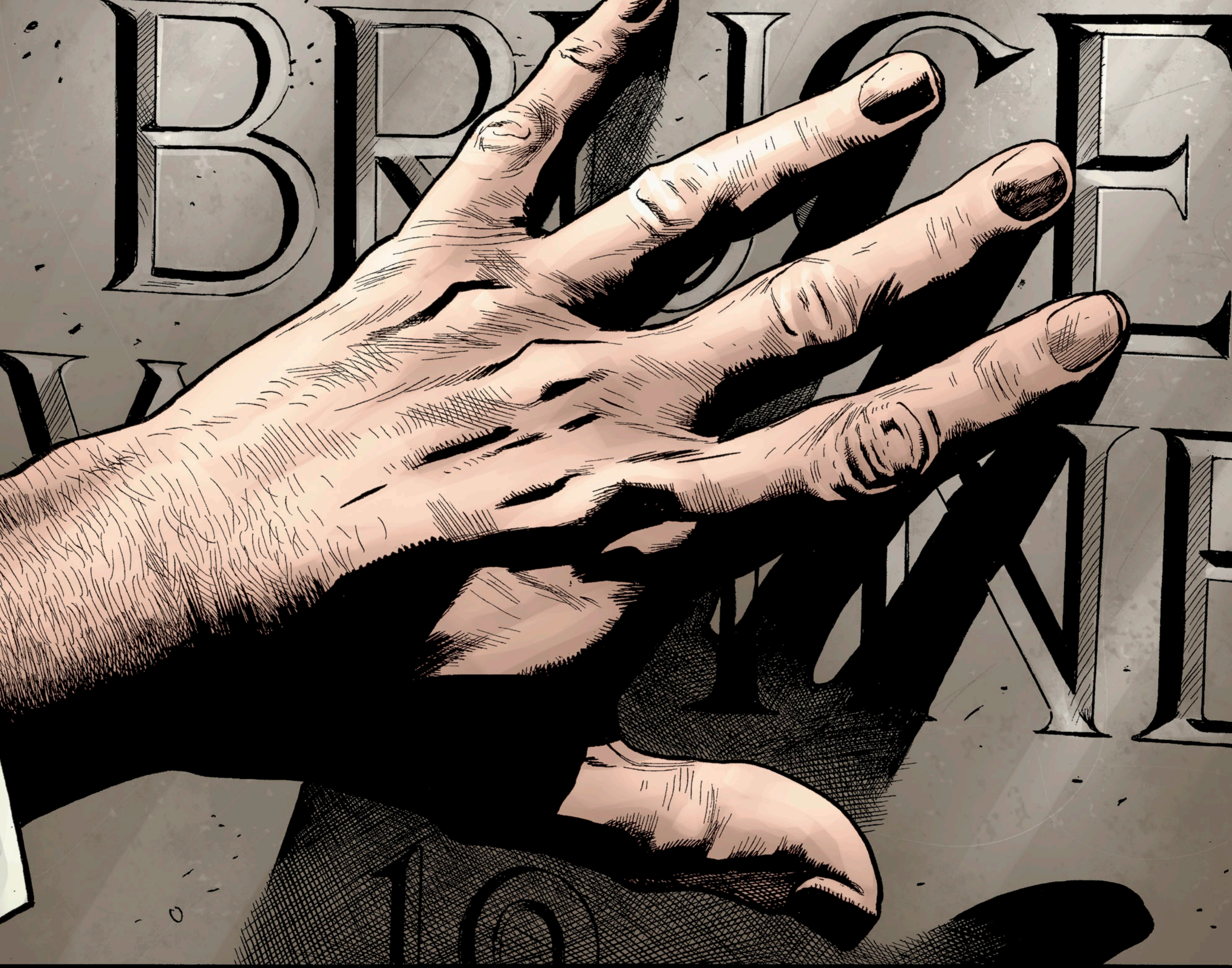
نه اینکه فکر نمی کردند زندگی  
می تونه زود تموم بشه.



اونها عاشق پسرشون بودند، و  
می خواستند در کنارشون باشه،  
و قبر و سنگ قبر اون هم همون  
زمان تهیه کرده بودند.



آلگرد همیشه می دونست که  
قبل از رفتنش شاهد پر شدن  
حفره زیر سنگ قبر سوم  
خواهد بود.



## فصل 1

Writer

**WARREN ELLIS**

Pencils

**BRYAN HITCH**

Inks

**KEVIN NOWLAN**

Colors

**ALEX SINCLAIR**

Letters

**RICHARD STARKINGS**

Cover

**BRYAN HITCH &  
ALEX SINCLAIR**

Variant Cover

**JEEHYUNG  
LEE**

Associate Editor

**ROB LEVIN**

Editor

**MARIE JAVINS**

**BATMAN** created by **BOB KANE** with **BILL FINGER**





نمی دونم  
چی فکر می کردیم.

بی خیال  
کوبین. اون از موسیقی  
و نورهای زیبا خوشش  
میاد، حرکت رو دوست  
داره...

و یکی از ما گفت  
این فیلم عکس دلگک  
روشه، بچه رو ببریم  
ببینه.



و بعد  
دلگک صورت یه  
بچه رو خورد.

مگه بچه  
می دونه چه اتفاقی  
افتاده؟

اون صدای  
فریاد جان. صدای  
فریاد.



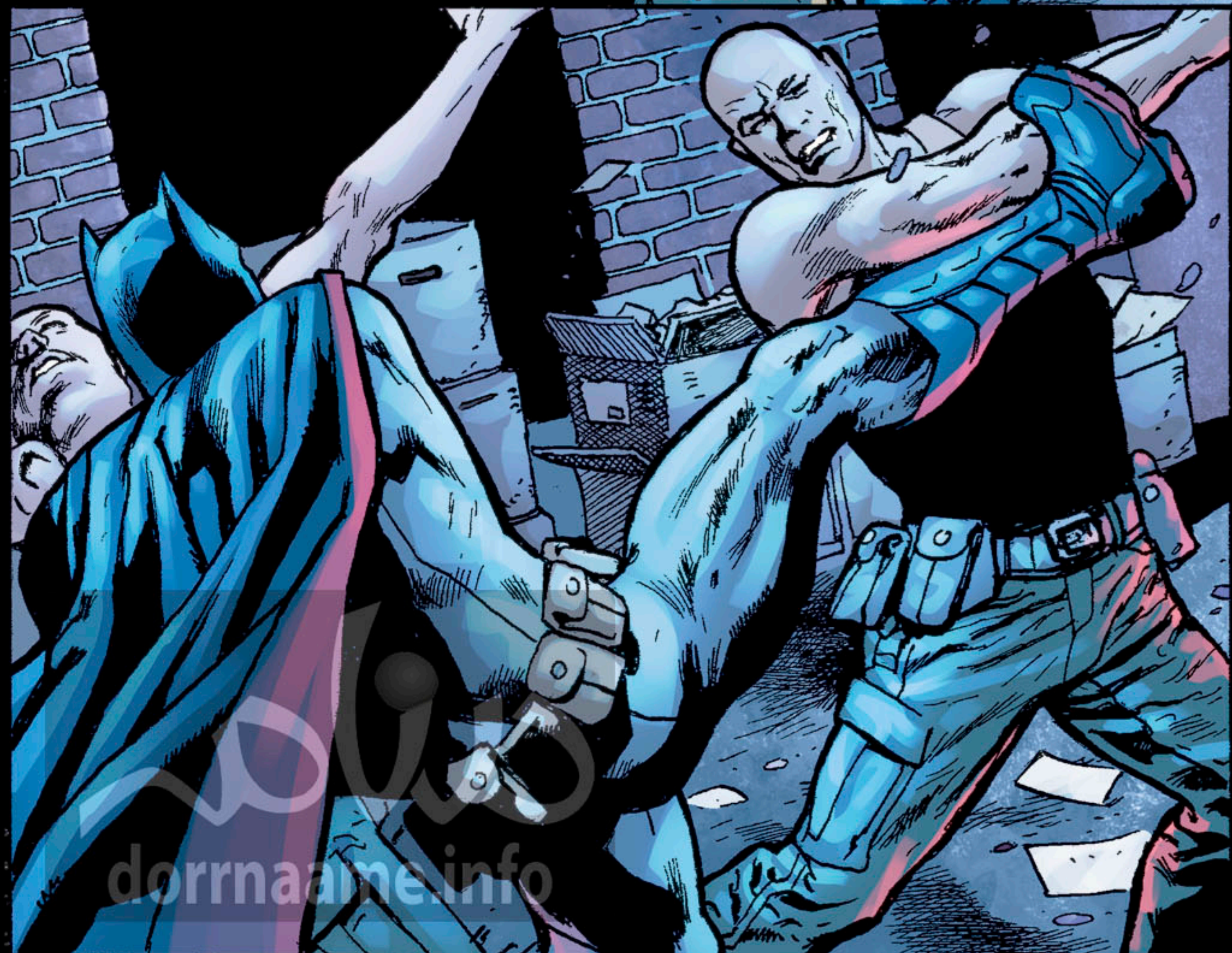
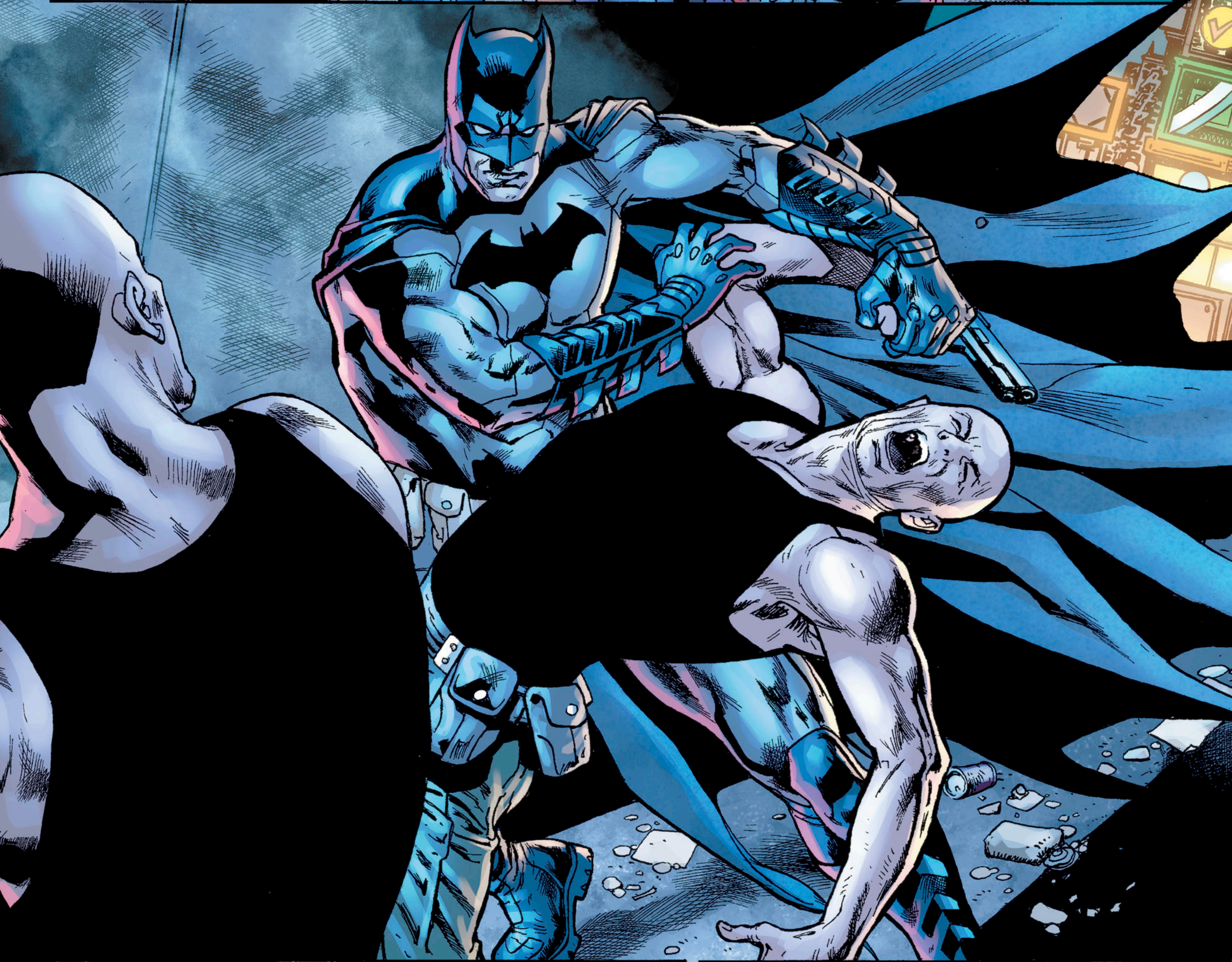
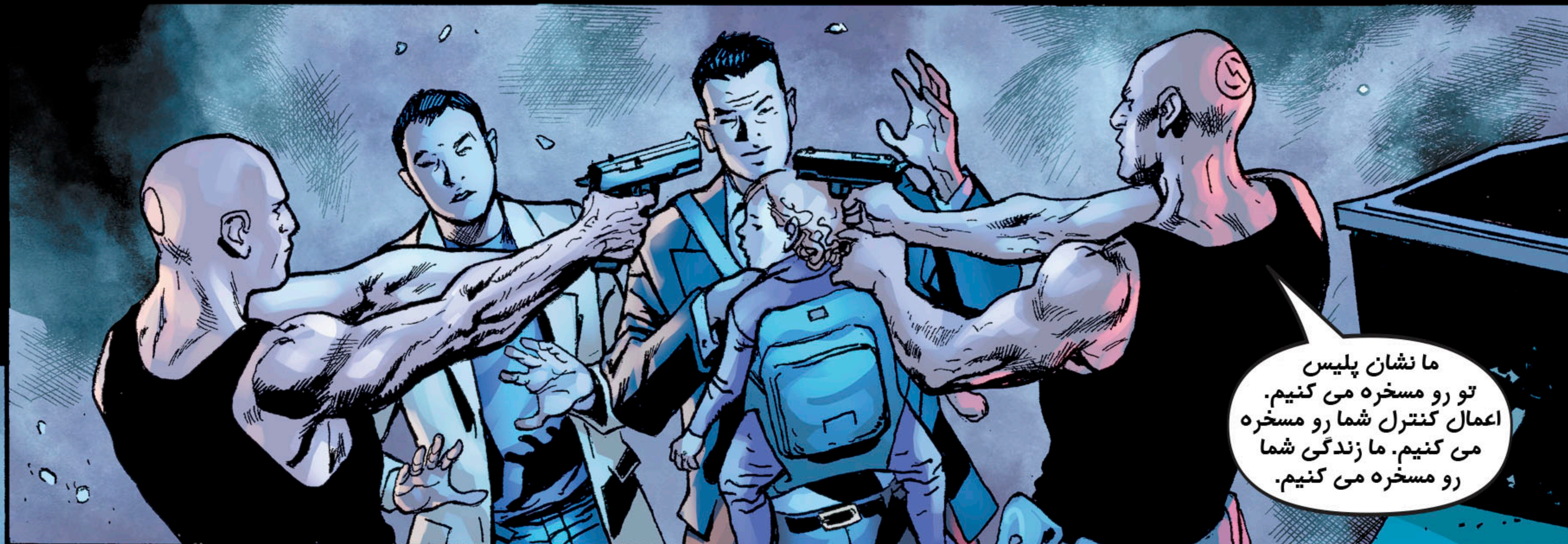
یه کم بیشتر  
در مورد فریاد توضیح  
بدید.

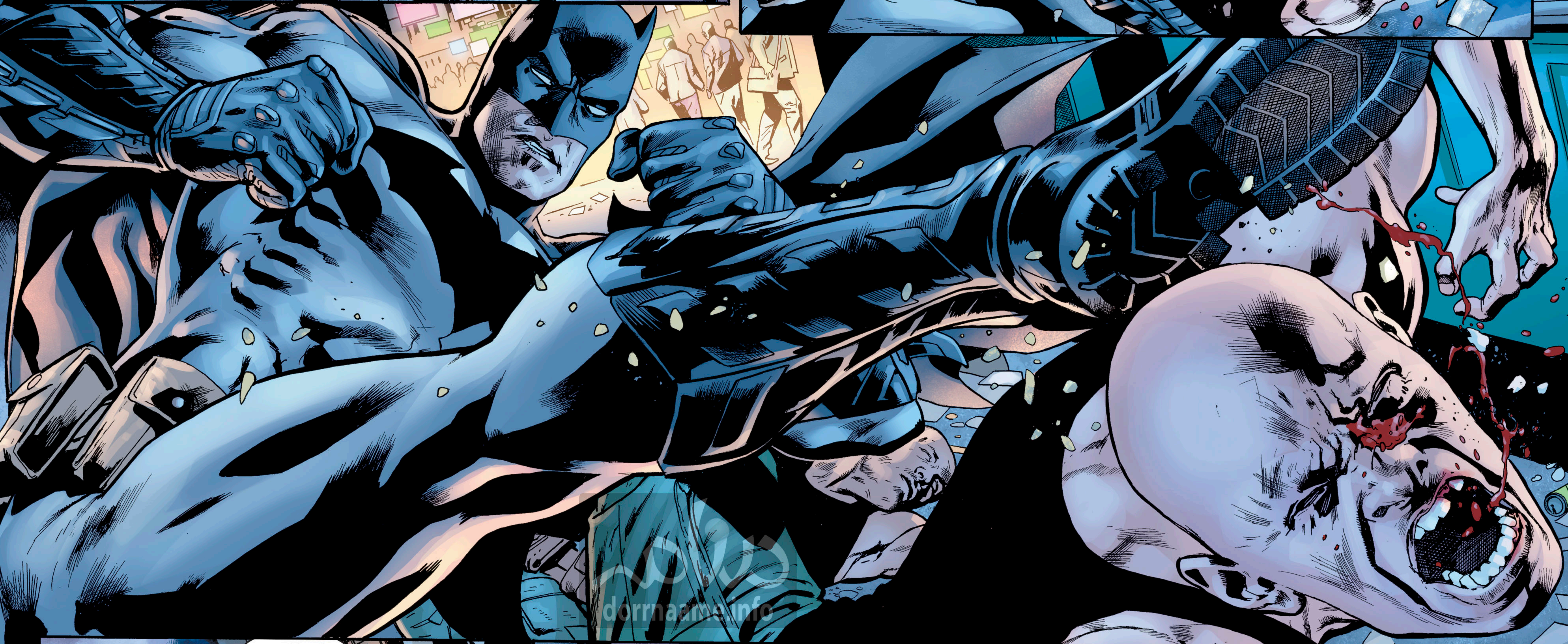
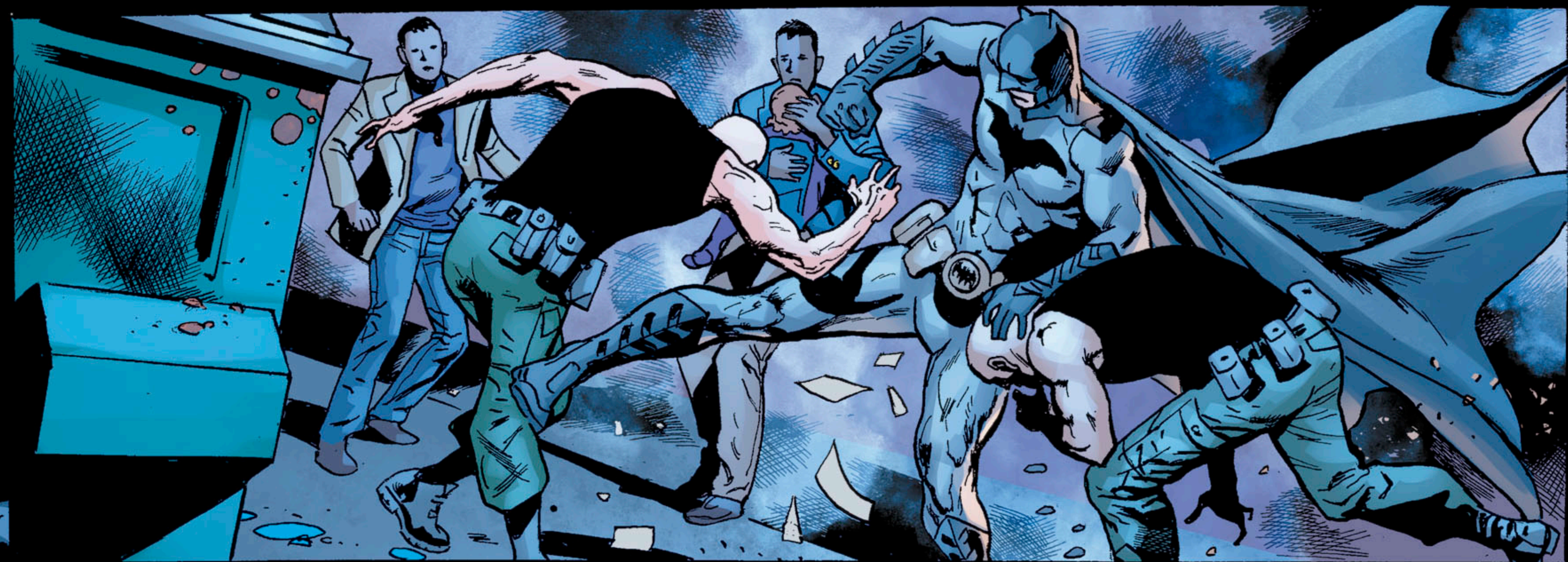


نمی دونم وقت  
فریاد زدن داریم  
یا نه.

آره.  
زمان داره به  
پایان می رسه و  
زندگی قالمه.

مثل سرکار  
جان انگوین از پلیس  
گاتهام با اون قطعه مخفی  
...که زیر آغوش  
بچه پنهان کرده.

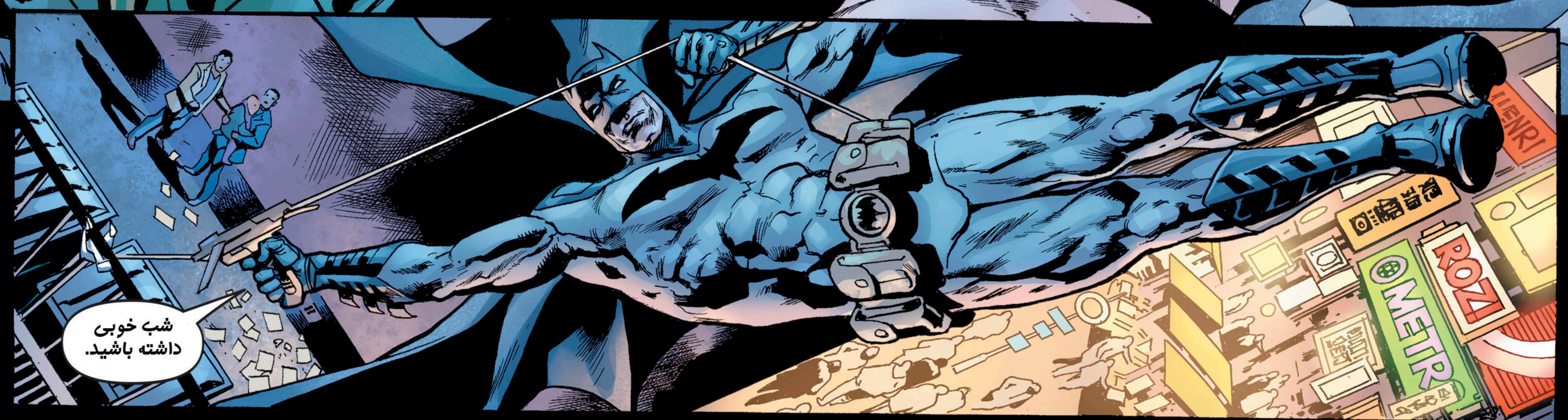




افسر انگوین.  
آقای انگوین.

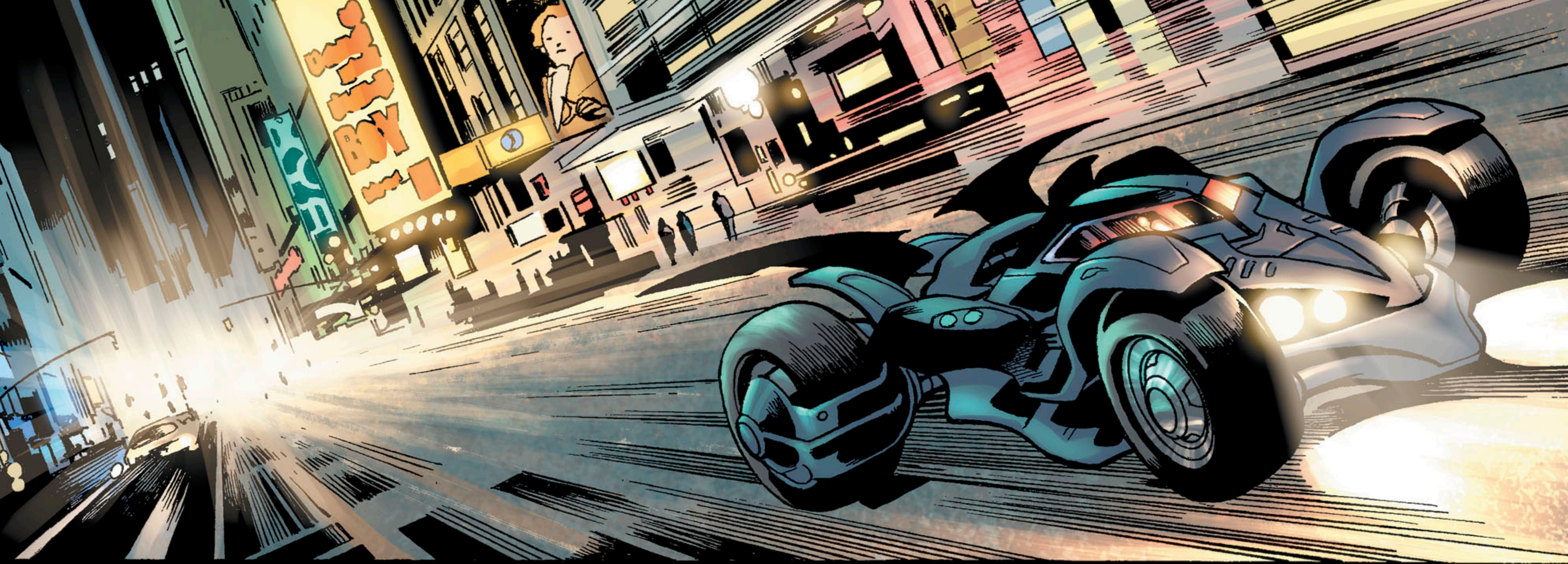
ما رو تعقیب  
می کردی؟

داشتم  
رد می شدم.  
شاید به  
آمیولانس  
نیاز پیدا کنید.



شب خوبی  
داشته باشید.





قربان، یه نفر چهار ساعته که به ۹۱۱ زنگ می زنه. یکی از اون شب هاست که پلیس تماس مردم رو منتظر می داره.

دارم برمی گردم آلفرد..

سمت کوچه ها و سینماها قربان. شاید لازم باشه کارت ویزیتتون رو برای تعقیب کننده ها بذارید.



یکی از اون شبهاست که مورد زیاد داریم.

۱۰ دقیقه با محل فاصله دارید. یه مرگ توصیف ناپذیر.



کی به ۹۱۱  
زنک زد؟



لعنت  
بهشون.

من زنک  
زدم. اون هم زنک  
زد. جواب نمی دن.

وینس ساکن  
واحد ۴۰۳ سه روزه  
کسی اونو ندیده. در خونه  
قفل. بوی بدی از خونه  
میاد.



چه  
بویس؟

گوشت گندیده.  
تخم مرغ گندیده.  
می دونی که من این  
بو رو می شناسم.

همیشه کسی  
بود که موقع ورود  
و خروج از آپارتمان اونو  
ببینه. می دونستیم که  
سر کار می ره. سه روز.  
اگر چه... یه چیزی درست  
نیست.



کسی به  
دیدنش میاد؟

یه نفر از بخش  
کمک های اجتماعی  
بهش سر می زنه. یه  
دوست و یه همکار  
قدیمی.

چه شکلی بودند؟  
اسمشون؟



وینس در مورد اسم ها حرفی نمی زد.

کارمند تأمین اجتماعی به چند نفر تو این ساختمان سر می زنه. خیلی تابلوئه... مثل کسی که حمله های صرع بهش دست می ده.

اون خانمی که از اداره میاد رفتاری مادرانه داره و انگار کمکش می کرد. دوستش تیپ جالبی داشت. سپیل کوتاه، صدای آروم.



شما بهش سر می زدید؟

اوقات بدی رو تجربه می کرد. اینجا کسی مواظب کسی نیست.

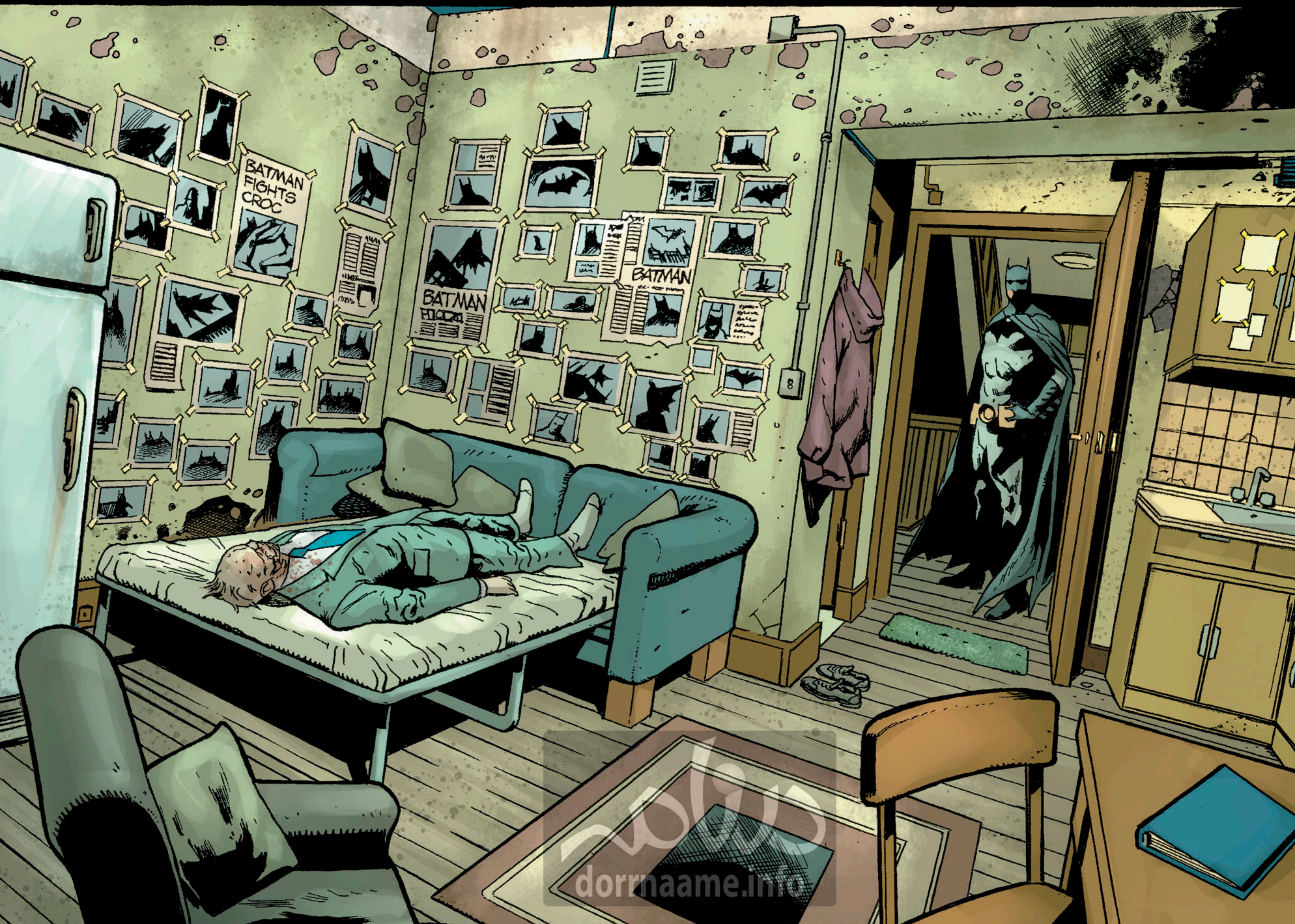
بسیار خوب. برید تو خونه هاتون. خودم کارها رو انجام می دم.

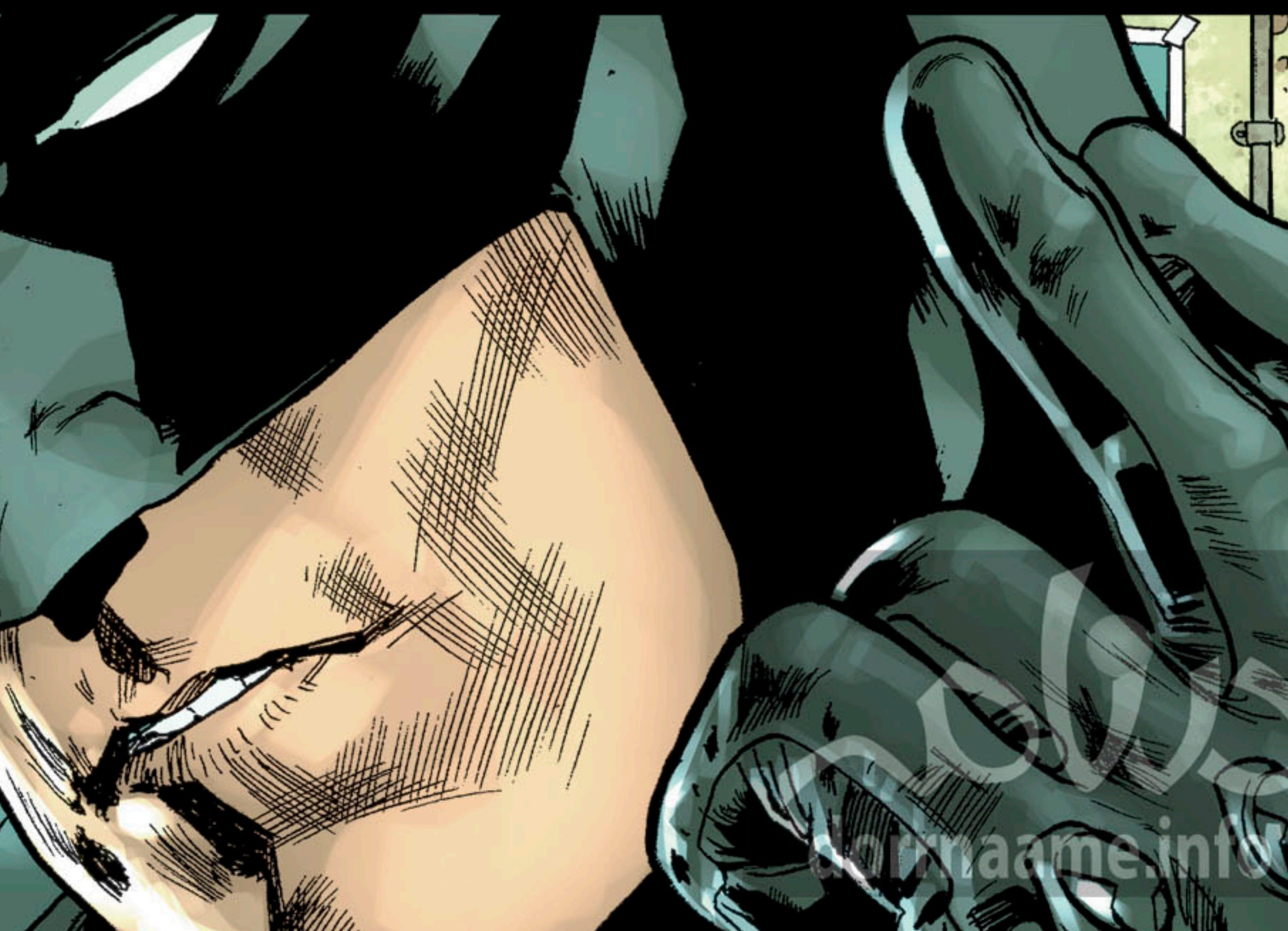
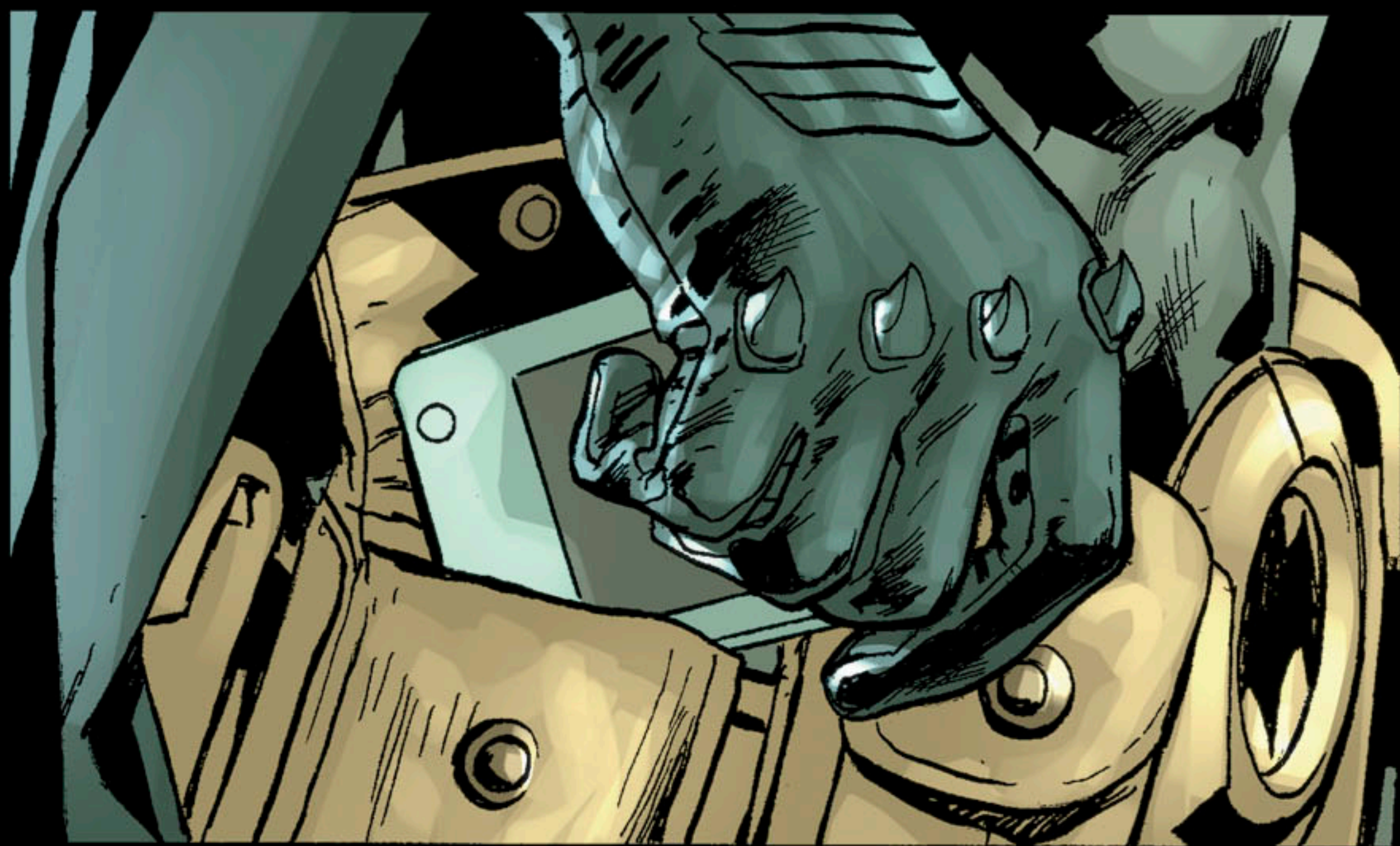


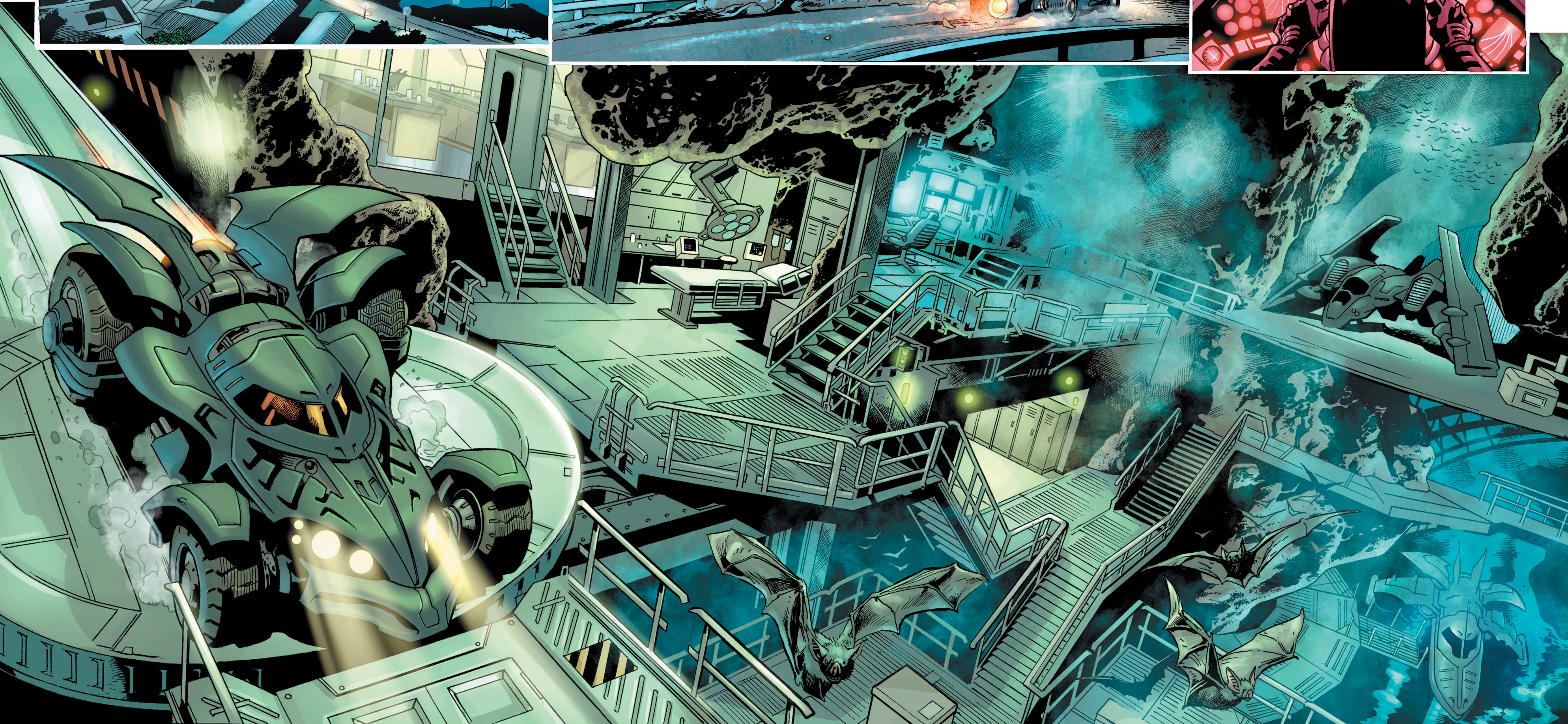
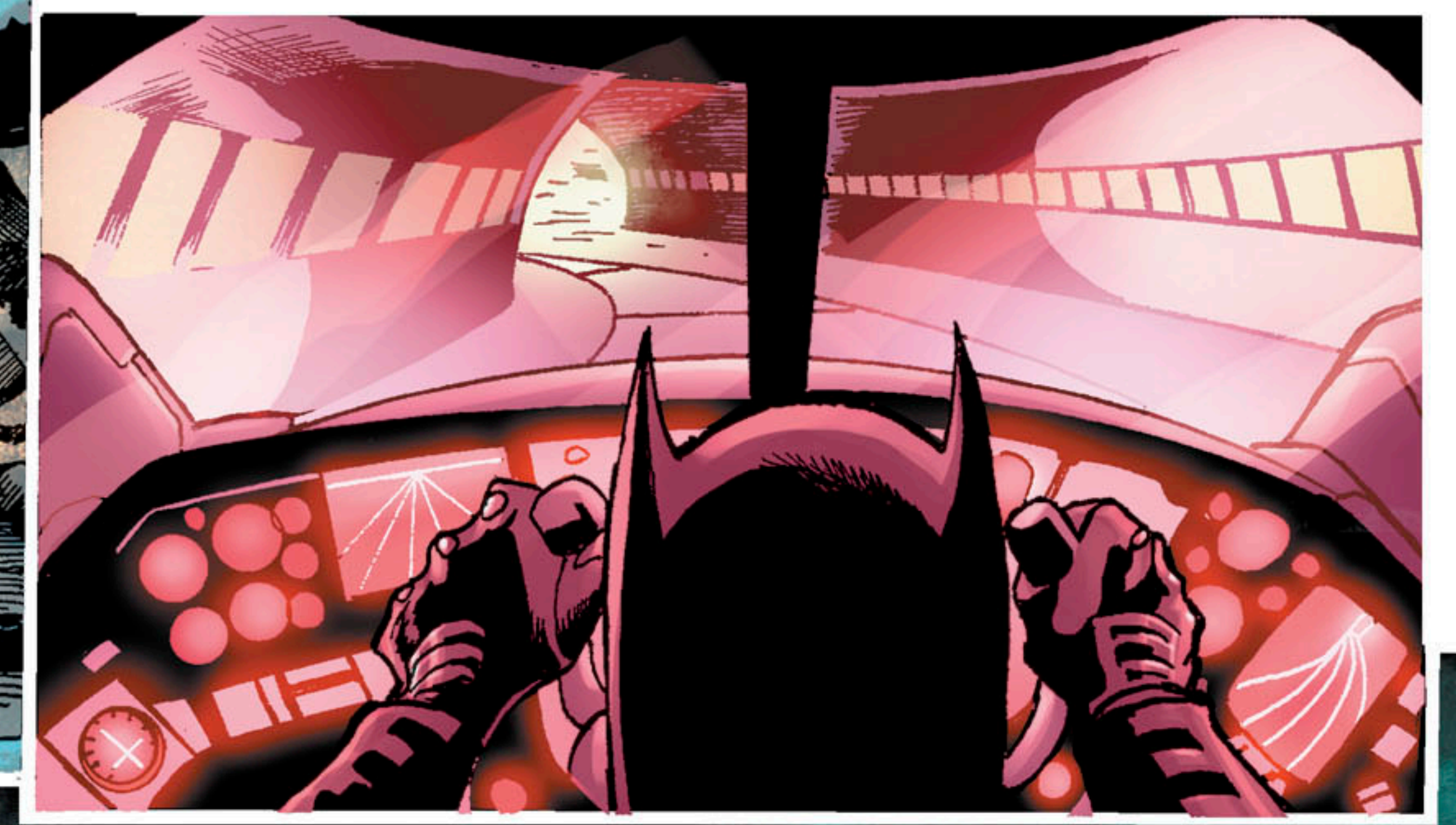
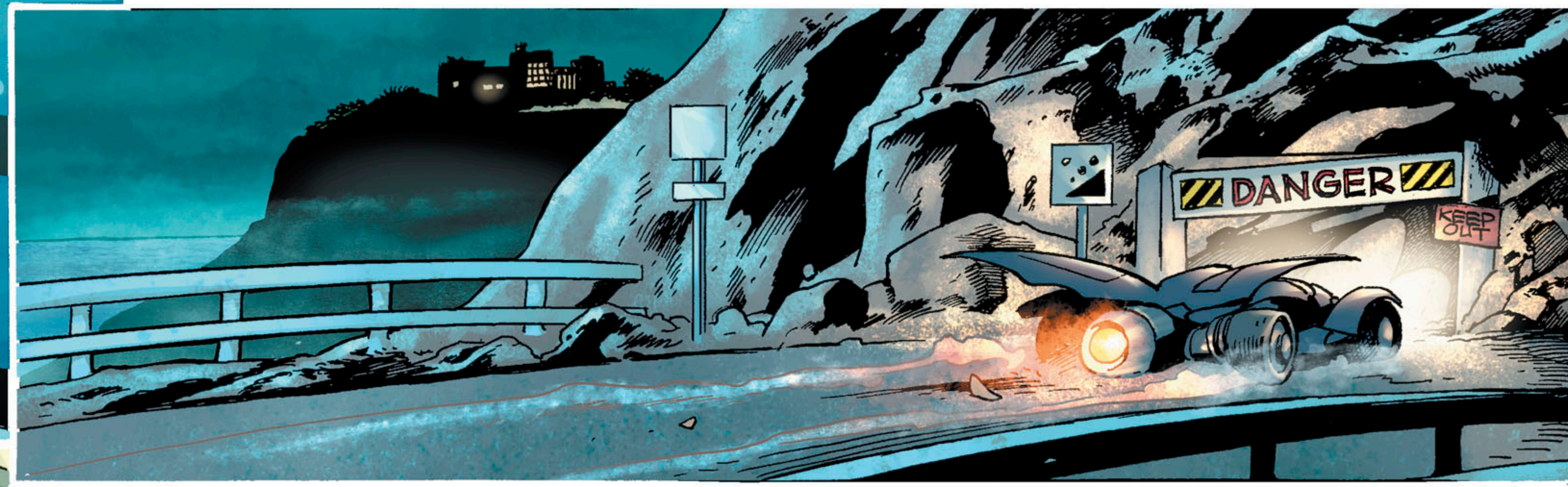
آلفرد، کی تو آپارتمان ۴C؟

یه لحظه وقت بهم بده... آه. وینسنت ویلیام استانیک.

دارم قفل آپارتمان رو باز کنم.









پیتر وارلاک.  
یه موسیقیدان کلاسیک  
انگلیسی. یه سیاهپوست جادوین.  
عادت داشت برهنه با موتورش  
اینوراونور بره.

چی داری  
می خوری؟

باید یه کم بخوری  
آقای بروس. بهت  
کمک می کنه بهتر بخوابی.  
به من کمک می کنه  
راحت تر بخوابم.



چی به همت  
ریخته آلفرد؟

خودم.  
خودت. خودمون.  
این شب های طولانی.



بهتون می کم  
چی اذیتم می کنه.

هر شب،  
خواب می بینم که یه  
سرباز پیر به یه پیرمرد کمک  
می کنه تا از عمارتش خارج  
بشه و با اتومبیل گران قیمتش  
اونو می بره به شهر و صحنه های  
خشن ضرب و شتم مردم بینوا رو  
بعش نشون می ده.



درست نیست؟ ساده تر نیست اگه  
شهر گاتهام رو بخرید.

در عوض، هر شب  
می ره سرانگش و بهش چنگ  
می کشی. در حالیکه مردم بدبخت  
توسط گانگسترهایی که یکصدم امکانات  
شمارو ندارند مردم رو وادار  
به جرم و جنایت می کنند.

این کار ما  
نیست، آلفرد.



اونها حق  
انتخاب دارند.



آسون تره که همشون  
کشته بشن.

من یه سر بازم.  
وقتی خدمت می کردم،  
برای زندگی و ارزش های  
خودم می جنگیدم. این  
جنایت نیست. دفاع  
از خوده.

آقای بروس  
چیزی که آزارم می ده  
اینه که شما در منطقه جنگی  
کار می کنید، و تنها کسی  
که اینو نمی دونه خود  
شما هستید.



باید برم سر کار. راجع  
به اون مرگ مشکوک.

دوباره شروع شد.  
نمی تونید ذهن قاتل رو  
بخونید. مثل کارهایی که تو  
فیلم ها انجام می دن؟ به  
نظر آسون تره.

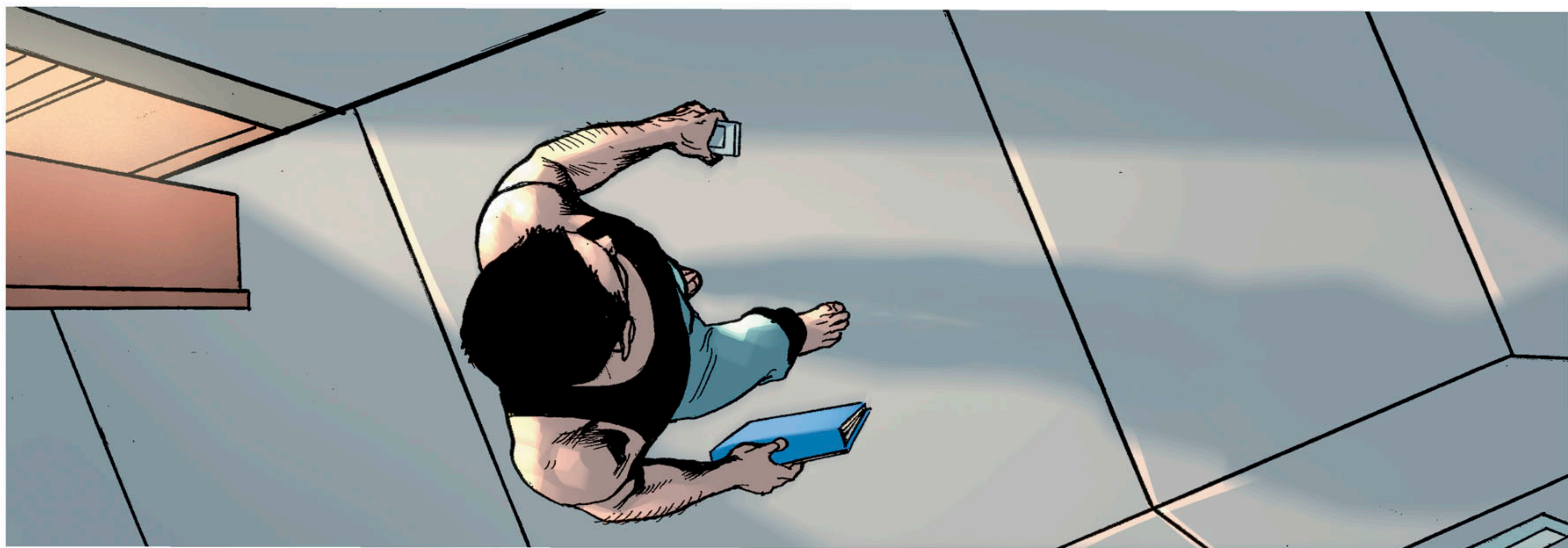
نمی تونم مثل  
یه قاتل فکر کنم  
آفرد.

فقط می تونم مثل  
یه قربانی فکر کنم.



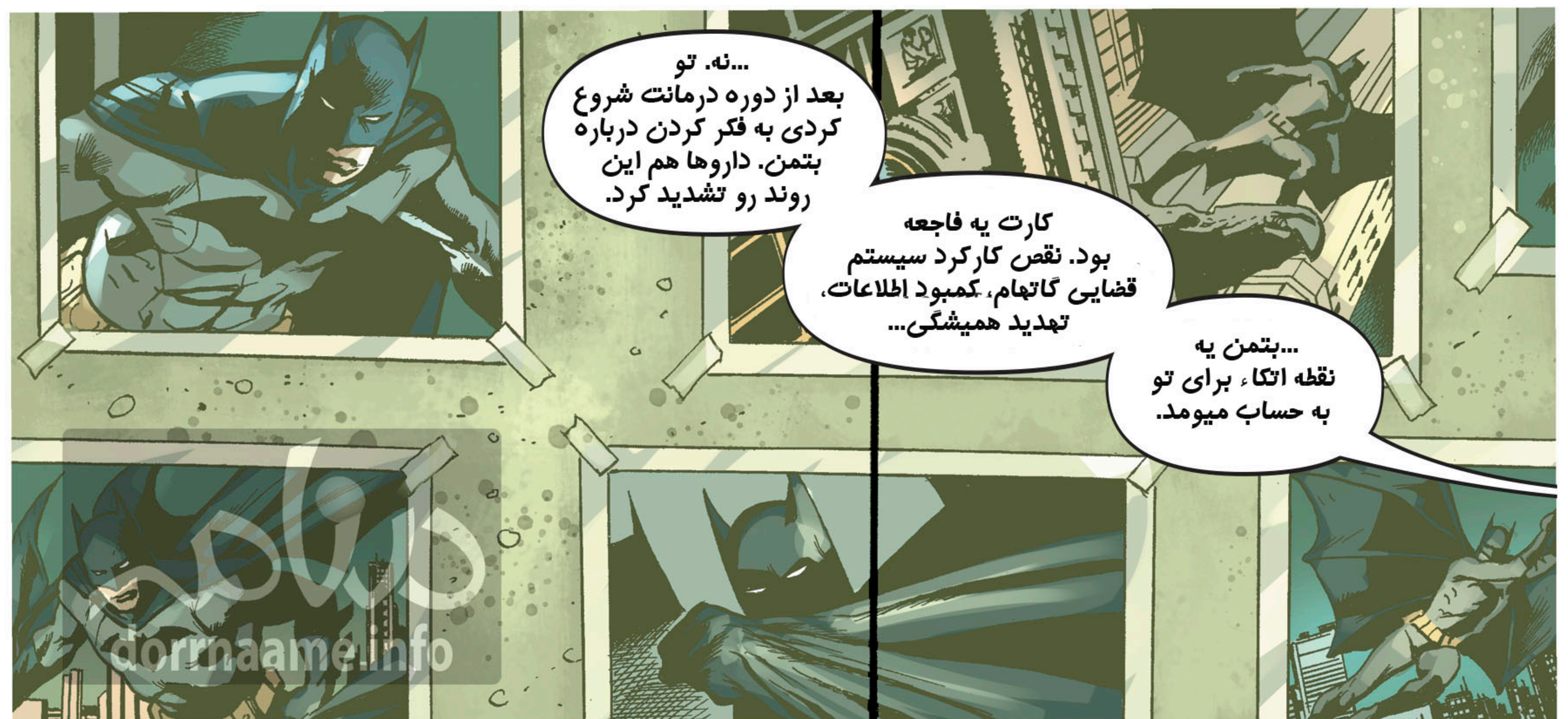
تنها چیزی که  
روی سنگ قبر تون  
نوشته نشده، تاریخ مرگه.

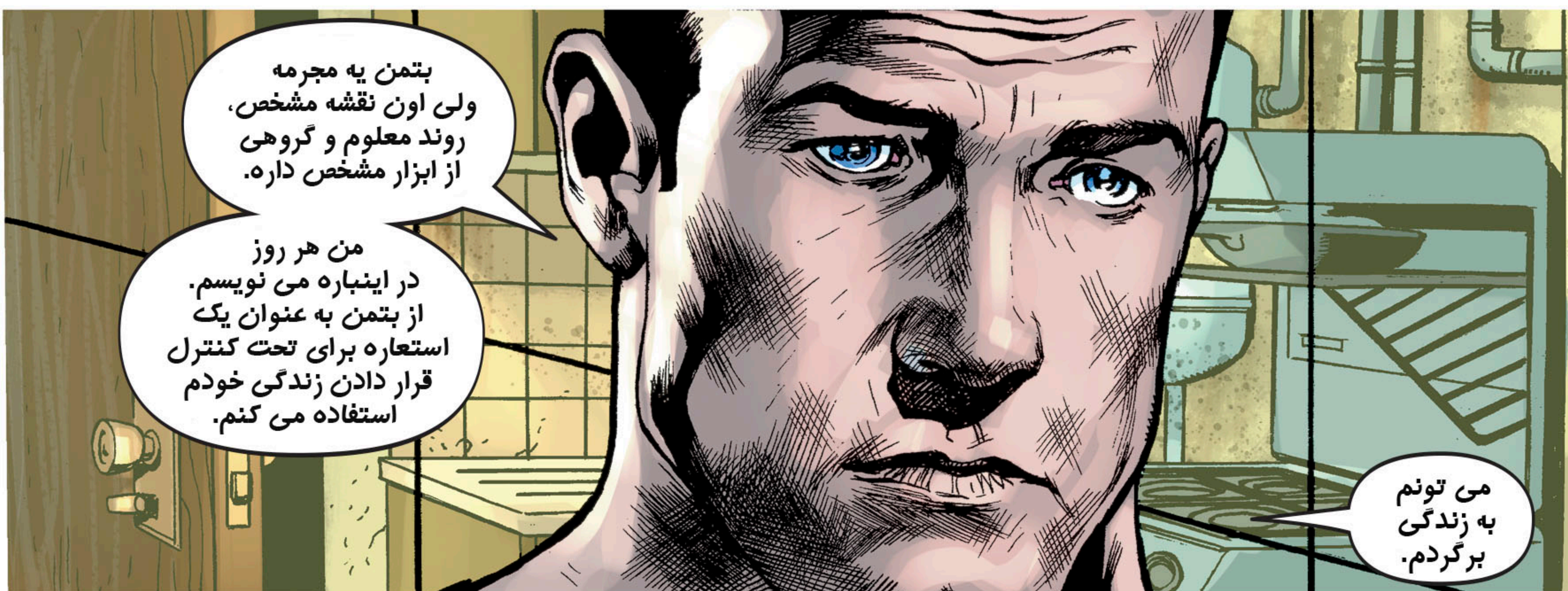
شما خودتونو  
در خیلی از افراد مرده  
غرق کردید. و هر بار یه  
کم از انرژی حیات در  
شما می میره.





شبیہ فایل آر باکمینستر فولرہ. فولر ہر پنج دقیقہ شرح کارہا و وقایع رو می نوشت. در دورہ ای کہ فایلینگ دیجیتال وجود نداشت تا جایی کہ می تونست جزئیات مربوط بہ کل زندگی فرد رو ثبت می کرد.





بتمن به مجرمه  
ولی اون نقشه مشخص،  
روند معلوم و گروهی  
از ابزار مشخص داره.

من هر روز  
در اینباره می نویسم.  
از بتمن به عنوان یک  
استعاره برای تحت کنترل  
قرار دادن زندگی خودم  
استفاده می کنم.

می تونم  
به زندگی  
برگردم.



من هر روز لباسم رو می پوشم  
و راه می افتم. انگار می رم اداره.  
دارم برای رفتن به کار آماده  
می شوم. دوباره درست لباس  
می پوشم و دوباره حرفه ای به  
نظر می رسم.

هر اتفاق و هر  
فکری رو تو دفترم  
می نویسم.

من هر  
فکر و نشانه تخریبی  
رو بررسی می کنم.  
و دنبال راه بازگشت  
به زندگی نرمال هستم.



دارم آپارتمانم رو ترک می کنم.  
یه دوست جدید پیدا کردم. اسمش  
اده. فکر کنم اون تنهاست.  
لیوان جدیدی رو که برای ملاقات  
احتمالی اون خریدم ثبت  
می کنم.

اون از  
موسیقی کلاسیک  
خوشش میاد. ما درباره  
اخلاقیات در قانون و فیلم های  
مجارستانی صحبت می کنیم.  
اون به روشی عجیب  
خوش لباسه.

هفته بعد  
می رم سر کار.  
اد گفته برام یه هدیه  
خریده و امشب برای  
آرزوی موفقیت میاد  
به من سر بزنه.



طرف پنج سال  
گذشته کسی به من  
هدیه نداده.

هر وقت  
بهش فکر می کنم،  
گریه ام می گیره.

اد ممکنه  
بهترین دوستی باشه  
که تا حالا داشتم.



من جنگیدم. البته که جنگیدم. من زندگیمو پس گرفته بودم.

تو دست های منو شستی. لباس های منو عوض کردی. منو با دقت در حالت دراز کش قرار دادی.

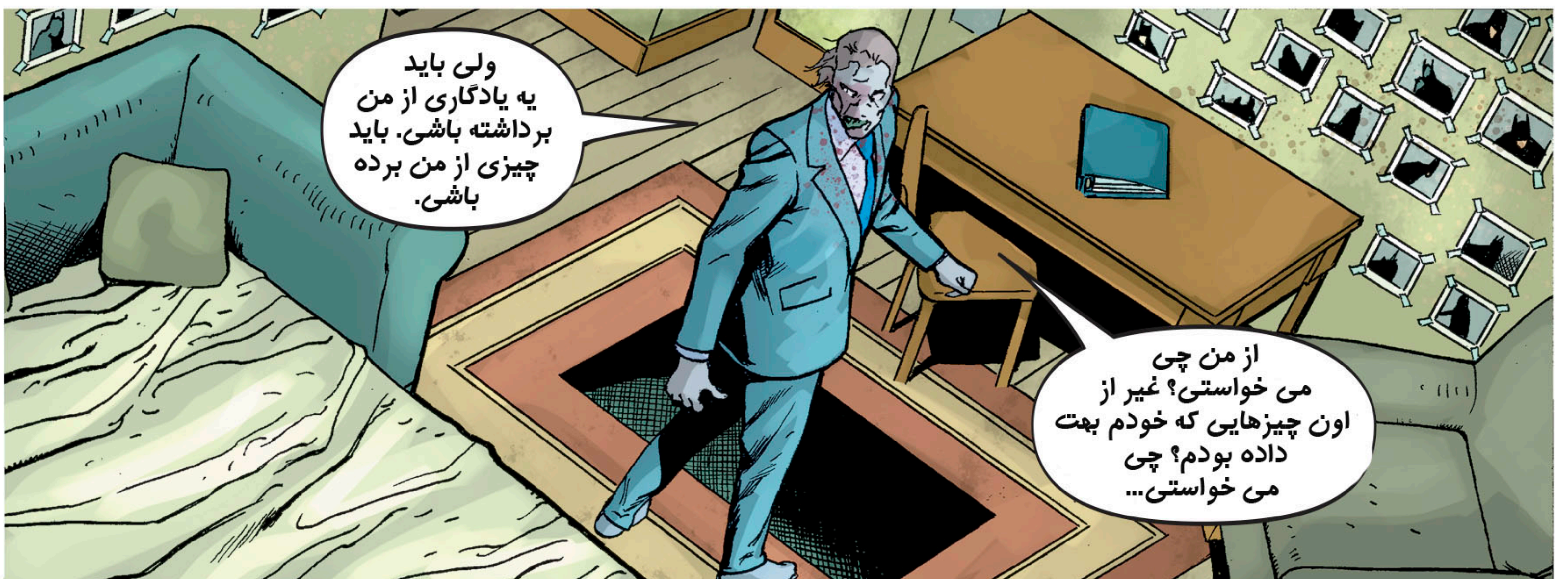
من دوست تو بودم. تو منو کشتی، ولی من دوست تو بودم.



تو قبلاً هم آدم کشتی. مثل این آدم کشتی... خیلی دقیق. با نوعی عشق.

چیزی هم برداشتی؟ قاتلین زنجیره ای یه یادگاری هم برمی دارند. ولی من دوستت بودم.

تو چیزی نبردی. باید منو می کشتی. ولی نتونستی چیزی از دوستت بدزدی.

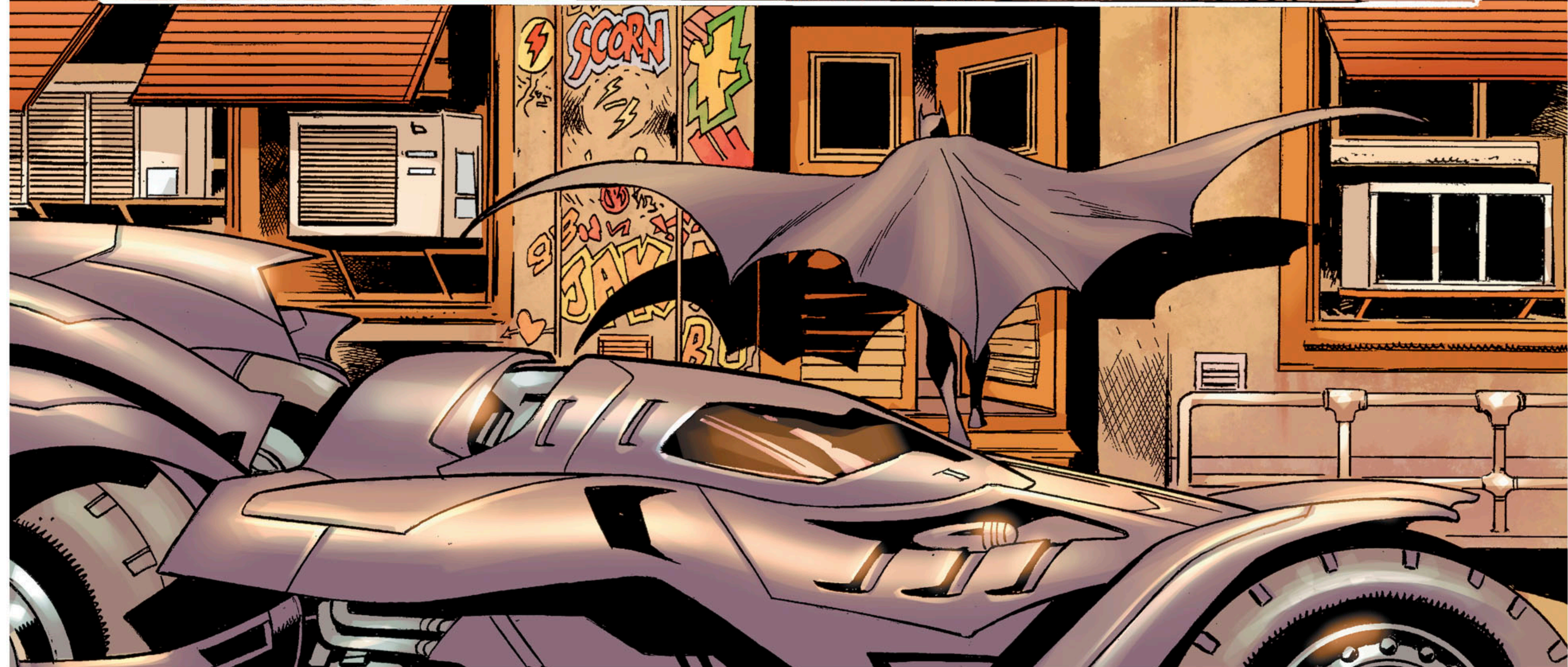
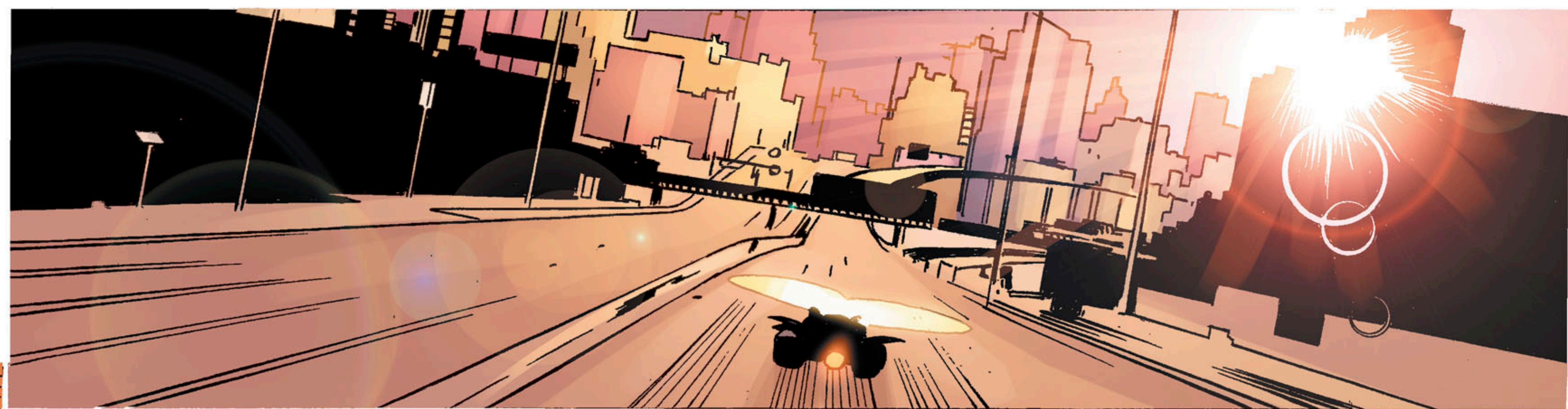


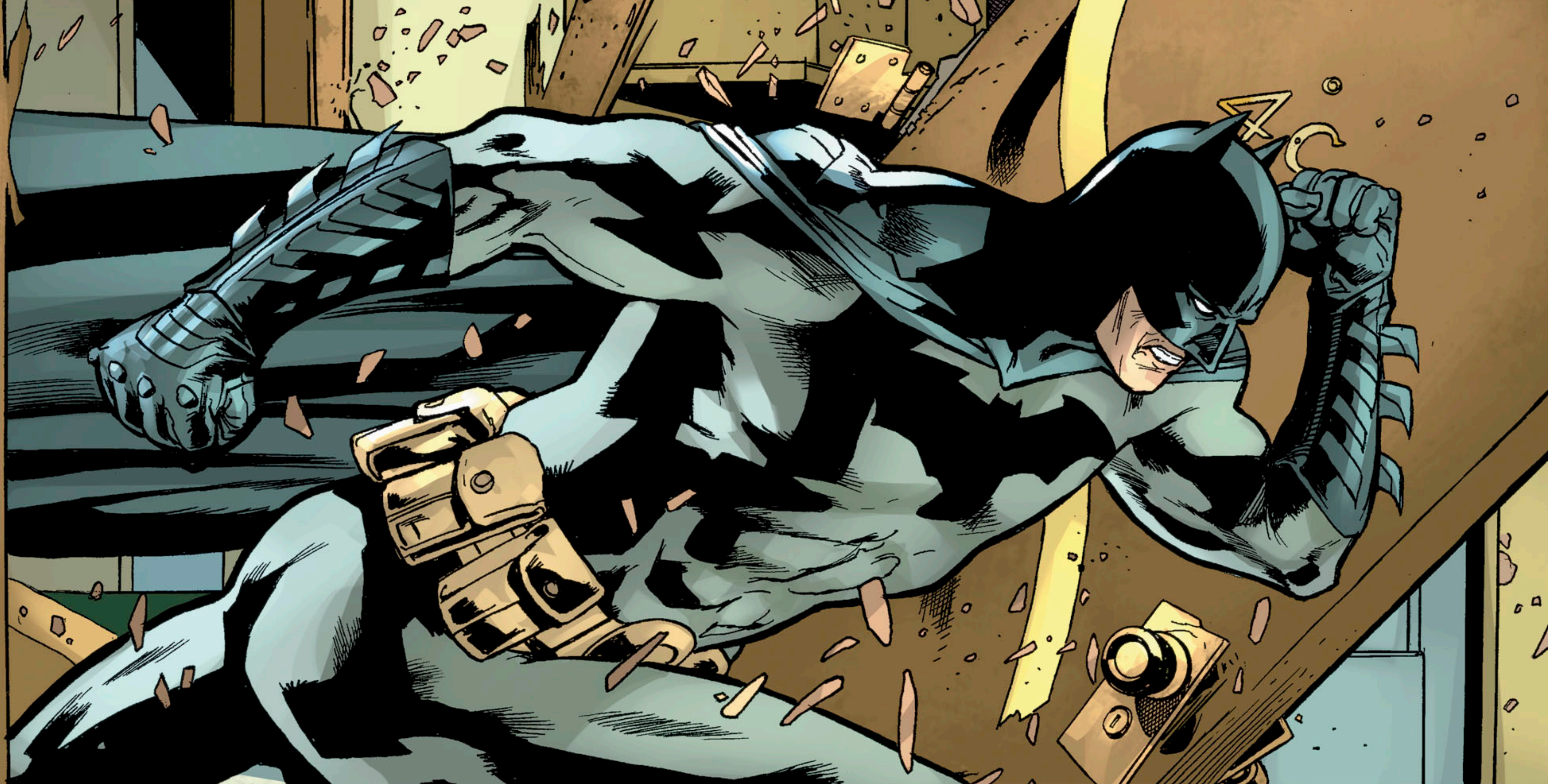
ولی باید یه یادگاری از من برداشته باشی. باید چیزی از من برده باشی.

از من چی می خواستی؟ غیر از اون چیزهایی که خودم بهت داده بودم؟ چی می خواستی...



خدای من.







و من  
می دونم  
چرا.



نتونستی بستری  
رو که روش نشستی  
ببری. نتونستی حس  
منو با خودت  
ببری.



همه چیزهایی  
که می خواستی هنوز  
توی تاروپود این اتاق  
بود. بوی کسی دیگه.  
طنین صداش.

چرا کسی  
باید زیر کف اتاق  
رو ببینه؟



من تنها  
بودم.

ادامه دارد...



ELLIS + HITCH + NOWLAN + SINCLAIR

1

of 12

RATED T+ TEEN PLUS  
DCCOMICS.COM

# The Batman's Grave

دورنامه

[dorrname.info](http://dorrname.info)

مرجع کمیک های فارسی